

بازخوانی نقش سبکهای تربیتی والدین بر تربیت اخلاقی کودکان: یک مطالعه مروری

معصومه خنکدار طارسی^۱

استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

فاطمه حقیری اسکستان

دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بازخوانی نقش سبکهای تربیتی والدین بر تربیت اخلاقی کودکان: یک مطالعه مروری است. روش این پژوهش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات و داده های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه ایی و تحلیل محتوای متون می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که سبک های تربیتی والدین بر تربیت اخلاقی کودکان تاثیر مثبت دارد. روش انضباطی والدین با سبک تربیتی مقتدرانه، توام با گرمی، منطق و انعطاف پذیری بوده و در کنشهای خود با کودکان دلسوز و صمیمی هستند. همین امر به کاهش اختلال رفتاری منجر شده و بستر را برای ایجاد تربیت اخلاقی فراهم می کند. سبک تربیتی مقتدرانه والدین، اغلب به پرورش فرزندان با ظرفیت های عاطفی و اخلاقی منجر می شود. کودکانی که جهت گیری اخلاقی مداومی دریافت می کنند، معمولاً در خانواده های مقتدر پرورش می یابند که تمایل بیشتری به کسب هویت اخلاقی قوی دارند. در مقابل والدین مستبد پرتوقع هستند و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند، پیامدهای کلامی والدین یک جانبه و فاقد همنوایی عاطفی است و غالباً هنگام اعمال رهنمودها، دلیلی ارائه نمی کنند. در سبک تربیت مستبدانه، کنترل شدید والدین با اضطراب و افسردگی و افکار خودکشی که خلاف مسائل اخلاقی نوجوانان است، ارتباط مثبت دارد. اتخاذ سبک تربیتی مستبدانه نه تنها مانع رشد تک فرزندان می شود، بلکه رفتارهای رقابتی، خصمانه و پرخاشگرانه را تقویت کرده و منجر به عدم درک مباحث اخلاقی می شود. والدین سهل گیر نیز در ابعاد کنترل و خواسته ها، در پایینترین سطح هستند. سبک تربیتی سهل گیرانه ارتباطی با روحیه مشارکت و مباحث اخلاقی در کودکان ندارد. والدین مستبد و سهل گیر کنترل اندکی بر کودکانشان دارند، آنها از روشهای احساس گناه برای کنترل فرزندان استفاده کرده و در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه جویی و شکایت کودک، تسلیم می شوند. بنابراین شیوه رفتار این والدین با افزایش اختلال رفتاری و اخلاقی رابطه داشته لذا، شرط اصلی رشد مطلوب شخصیت اخلاقی کودکان، یک رابطه عاطفی واقعی، انسانی و مثبت اخلاقی بین والدین و کودک است.

واژگان کلیدی: بازخوانی، سبک تربیتی، والدین، تربیت اخلاقی

^۱ نویسنده مسئول: khonakdar@uma.ac.ir

خانواده کوچک‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که هر یک از افراد جامعه در آن متولد شده و تربیت و پرورش می‌یابند، لذا نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳). در این میان نقش پدر و مادر در تربیت فرزند بسیار مهم و تعیین‌کننده است، چرا که والدین اولین شکل دهندگان و معماران شخصیت فرزند خود هستند. آموزش دادن به والدین در زمینه مسائل تربیتی موجب می‌گردد که آنان محیط مناسب‌تری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم کنند. سبک تربیتی یکی از عوامل کلیدی در فرآیند اجتماعی شدن کودک است. والدین مفهوم ضمنی خود را از خانواده و والدین بودن دارند (هاویگروا^۲، ۲۰۱۳). والدینی که از دانش و آگاهی کافی در زمینه ارتباط با نوجوانان برخوردارند، فرزندانشان کمتر به رفتارهای پرمخاطره گرایش داشته، در نهایت تأثیر خوبی بر رشد فرزندان دارند (یانوارا^۳، ۲۰۲۳: ۴۰۹). شارما^۴ معتقد است تجربه ای که هر فرد با خانواده و به طور کلی با والدین خود دارد، به عوامل مهم و تعیین‌کننده فرایند تنظیم، سازش یافتگی و تربیت شخص طی دوران بلوغ و زندگی آینده وی است (شارما، ۲۰۱۲: ۲۵۷). نوع و سبک تربیتی والدین، نقش مهمی را در شکل‌گیری هویت نوجوان بازی می‌کند لذا هرگونه افراط و تفریط در روشهای تربیتی ممکن است راه را برای بروز بحران هویت نوجوان هموار سازد. سندی^۵ معتقد است که خانواده بخش مهمی از محیط کودکان را تشکیل داده و به همین دلیل بعنوان قوی‌ترین عامل اجتماعی کردن، شکل‌گیری شخصیت و خصوصیات کودکان، بشمار می‌آید (سندی، ۲۰۱۳: ۲). به اعتقاد داویس^۶ سبکهای تربیتی لحن عاطفی رابط والد-کودک را تعیین می‌کنند (داویس، ۲۰۱۹: ۴۹). سبک‌های تربیتی حتی می‌توانند سبب پیش‌بینی تربیت و رشد اخلاقی کودکان شوند (حسینی، ۱۴۰۳: ۲۹). دادن آزادی‌های نامحدود و برعکس آن، استبداد در خانواده، باعث گسستگی هویت کودکان خواهد شد. سبک‌های تربیتی روشهایی هستند که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار گرفته و نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند لذا، فرزندپروری والدین در سبکهای مختلف می‌تواند شخصیت و رفتار کودکان را تحت تأثیر قرار دهد (اسمعیلی، ۱۴۰۰: ۳۷۰). یکی از موارد تأثیرگذاری والدین در کودکان، آموزش در درونی‌سازی هنجارهای رفتار اجتماعی، از جمله حوزه رشد اخلاقی (لودووا^۷، ۲۰۱۵: ۱۲۴۸)، اخلاق و مباحث تربیت اخلاقی است (بوسلیکی، ۱۳۸۹: ۵۹). رشد اخلاقی به معنای تغییر در چگونگی استدلال کودکان در امور اخلاقی و نگرش آنها در مواجهه با مسائل اخلاقی است. حتی شیوه انضباطی^۸ والدین در سبکهای تربیتی نیز در روند رشد اخلاقی کودکان موثر می‌باشد. رشد اخلاقی، شامل اخلاق دگرآیینی^۹ و اخلاق خودمختار^{۱۰} است. در اخلاق دگرآیینی، کودکان هنگام ورود به دوران پیش‌دبستانی، رفتارها را بر اساس پیامدهای قابل مشاهده، خوب یا بد قضاوت می‌کنند. این مرحله‌ای است که اخلاق آنها شروع به رشد و شکل‌گیری می‌کند (تان^{۱۱}، ۲۰۲۰: ۷۰). کودکان باید یاد بگیرند که به صورت منطقی و تأثیرگذار بیندیشند و به تشخیص موضوعات اخلاقی بپردازند لذا توجه به رفتار اخلاقی در تربیت اخلاقی از اهمیت بالایی برخوردار است (کریمی، ۱۳۹۴: ۹۲). به اعتقاد برن اشتاین^{۱۲}، شیوه‌های تربیتی که والدین اتخاذ می‌کنند اهمیت زیادی در باورهای فرزندان دارد تا توانایی‌های خود را بشناسند (برن اشتاین، ۲۰۰۵: ۱۵۶). خانواده‌های مدرن در دوران جهانی

²- Havigerová

³- Yanuarista

⁴-Sharma

⁵-Sandy

⁶-Davies

⁷-Loudova

^۸- شیوه‌های مبتنی بر ابراز قدرت که شامل: تنبیه بدنی، محروم کردن از اشیا و امتیازات مادی، کاربرد مستقیم زور یا تهدید - شیوه‌های مبتنی بر خودداری از محبت که شامل نشان دادن غیرفیزیکی عصبانیت یا نارضایتی همچون بی‌اعتنایی، خودداری از صحبت کردن

⁹-heteronomous morality

¹-autonomous morality

¹-Tan

¹- Bornstein

شدن کنونی دستخوش تغییراتی شده‌اند (لانجر،^۱ ۲۰۱۶). بنابراین سبکهای ناکارآمد منجر به آسیب پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی نظیر اضطراب، مشکلات رفتاری، آسیبهای روانشناختی و مسائلی در حوزه اخلاق شده (سامح،^۲ ۲۰۰۹: ۱۰۹) و به دلیل پیوندهای ضعیف فرزندان با اعضای خانواده، دچار بی‌ثباتی عاطفی و سردرگمی اخلاقی می‌شوند. با توجه به اهمیت دوره کودکی و مسائل مرتبط با حوزه تربیت و همچنین تاثیر سبک‌های تربیتی در فرایند تربیت اخلاقی، پژوهش حاضر بدنبال بازخوانی نقش سبکهای تربیتی والدین بر تربیت اخلاقی کودکان: یک مطالعه مروری می‌باشد.

مبانی تحقیق

خانواده نقطه اشتراک فرد با جامعه بوده و هر زمان در حفظ بنیان آن کوتاهی شده، مشکلات غیرقابل جبرانی را به همراه داشته است. مهمترین گروه اجتماعی، خانواده است تاجایی که در قرآن از آن به پیمان محکم تعبیر شده است (هدایت نیا،^۳ ۱۳۸۹، ص ۱۸۷). خانواده مناسب ترین جایگاه برای تامین امنیت و آرامش روانی است. یکی از مهم ترین وظایف والدین تربیت فرزند می‌باشد. تربیت به معنای پروردن و پرورش دادن است. تعلیم و تربیت به معنای فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفا سازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است (سلاطینی اسلامیه،^۴ ۱۳۹۵). در اسلام نیز، تربیت فرزند از مهمترین وظایفی است که در ابتدا بر عهده پدر و مادر و سپس برعهده معلمان و مربیان قرار داده شده است؛ چراکه تربیت فرزند، ارتباط مستقیم با صلاح و فساد جامعه دارد. بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری جوامع امروزی، ناشی از انحرافات اخلاقی نسل جوان است که بخش کلی آن ریشه در تربیت خانوادگی آنان دارد (کوخابی،^۵ ۱۳۹۵). سبک و روش زندگی انسانها اغلب بازتاب طیفی کامل از ارزشها، باورها، فعالیت‌های بدنی و اجتماعی است (اله ربی،^۶ ۱۳۹۵). افراد بر اساس معانی هویتی خود عمل می‌کنند و رفتار خود را طوری تنظیم می‌کنند که آن معانی با معانی هویتی آنها سازگار باشد. یک ناهماهنگی باعث ایجاد احساسات منفی می‌شود و افراد را به رفتار متفاوت برای ایجاد نتایجی که با معانی هویتی آنها مطابقت بیشتری داشته باشد، ترغیب می‌کند (ستس،^۷ ۲۰۱۹). به اعتقاد جاگو،^۸ سبکهای تربیتی مجموعه‌ای از نگرشهای والدین نسبت به فرزند و در رابطه با تربیت آنها است که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود (جاگو،^۹ ۲۰۱۱). همچنین والدین معتقد هستند که رژیم غذایی، تعهد، درک مثبت و دینداری عوامل مهمی در کمک به رشد اخلاقی کودکان هستند (تان،^{۱۰} ۲۰۲۰: ۷۳). بامریند^{۱۱} سبک تربیتی را نگرش والدین در مورد تربیت فرزندان و شیوه‌هایی که برای اجتماعی کردن فرزندان خود به کار می‌برند، تعریف می‌کند. این سبکها در الگوهای اقتدار والدین متفاوت هستند و ارزشهای متفاوت والدین و الگوهای رفتاری آنها را منعکس می‌کند (بامریند،^{۱۲} ۱۹۹۶). سبکهای تربیتی متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. همچنین به نظر می‌رسد، سبک تربیتی براساس سبک یادگیری خود والدین که در دوره کودکی از آن متأثر بوده‌اند و نیز باورها و ارزشهای آنها، شکل می‌گیرد. لذا پیشینه‌های فرهنگی نقش مهمی در شکل‌دهی به پویایی خانواده و شیوه‌های تربیتی دارند (سنویکتورز،^{۱۳} ۲۰۲۵). به اعتقاد نادوزیه^{۱۴} حتی باورهای مذهبی و اخلاقی نیز می‌توانند بر سبک‌های تربیتی والدین موثر واقع شوند (نادوزیه،^{۱۵} ۲۰۱۸). در سبک‌های فرزند پروری سه ویژگی آشکار شده است که روش موثر را از روش نه چندان

^۱ -Langier	3
^۱ -Samah	4
^۱ -Sets	5
^۱ -Jago	6
^۱ -Baumrind	7
^۱ -Sanvictores	8
^۱ -Nnadozie	9

موثر تربیتی جدا می سازد. این سه ویژگی عبارتند از: پذیرش یا روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن. بر اساس همین ابعاد و عوامل سبک فرزندپروری، می توان به سبک های تربیتی زیر اشاره کرد که عبارت است از: مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه

سبک مقتدرانه

والدین مقتدر و قاطع در عین حال که به نیازهای فرزندان توجه دارند به بیان انتظارات و توقعات خویش می پردازند و قواعد و مقرراتی را در منزل اعمال می نمایند. این والدین از نظر پذیرش و روابط نزدیک رابطه ای معقولانه برقرار می کنند و همچنین از نظر میزان استقلال دادن به فرزند خود نیز، معقول و درست عمل می کنند (رحمت زهی، ۱۳۹۶: ۶۴). والدین اقتدارگرا اجازه ارتباط حداقلی بین خود و فرزندانشان را می دهند و مجموعه ای از قوانین و انتظارات سختگیرانه را اعمال می کنند. آنها عمدتاً از اقدامات تنبیهی برای وادار کردن به اطاعت یا آموزش استفاده می کنند (نور، ۲۰۲۲). والدین در این سبک تربیتی از فرزندان خود تقاضای منطقی داشته و با ایجاد جو عشق و محبت، اجازه ابراز احساسات و بیان نظرات را به آنها می دهند (چادوری، ۲۰۱۵: ۲۲). والدین از طریق سبک تربیتی مقتدرانه می توانند ارزشهای اخلاقی و استدلال اخلاقی را در کودکان درونی کنند (پینکوارت، ۲۰۲۲: ۳). این والدین با تعیین مرزها و قوانین روشن و نشان دادن مراقبت و حمایت از فرزندان خود، به توسعه مهارت های استدلال اخلاقی در پیروی از قوانین کمک می کنند. این رویکرد دو جانبه، کودکان را قادر می سازد که نه تنها به استانداردهای بیرونی پایبند باشند، بلکه این اصول اخلاقی را درونی کرده و در نتیجه ارزش های اخلاقی پایدار را شکل دهند. علاوه بر این، والدین مقتدر با برقراری ارتباط آشکار با فرزندانشان، اغلب رشد اخلاقی را تشویق می کند. والدین اقتدارگرا رفتار فرزندانشان را از طریق ترس و تنبیه تنظیم می کنند. با این حال، این رویکرد به کودکان کمک نمی کند تا اصول اخلاقی پشت رفتار خود را درک کنند و در نتیجه رشد اخلاقی آنها را محدود می کند (پلرین، ۲۰۰۵: ۲۸۴).

سبک مستبدانه

سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین است و از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است (رحمت زهی، ۱۳۹۶: ۶۴). در سبک مستبدانه والدین خود رای و مستبد هستند و سعی می کنند رفتار کودکانشان را مطابق با مجموعه ای از معیارها شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. در این سبک تبعیت بی قید و شرط از قدرت مورد تاکید است و بدون هیچ گونه توضیحی دستورات باید پذیرفته شوند. این والدین در صورت نقض قوانین، تنبیه خودسرانه اعمال می کنند (موحلیاواتی، ۲۰۲۳: ۳۲). والدین با استفاده از محبت کم و مجازات و قوانین سختگیرانه، فرزندانشان را کنترل می کنند و از فرزندان می خواهند آنچه را آنها می گویند، بپذیرند (فومهام، ۲۰۰۵: ۴۶۵). کودکانی که توسط والدین مستبد بزرگ می شوند، اغلب به دلیل عواقب سوء رفتار، رفتار خوبی از خود نشان می دهند. علاوه بر این، آنها تمایل دارند دستورالعمل های دقیق را به طور مؤثرتری برای رسیدن به اهداف خود دنبال کنند. با این حال، این سبک فرزندپروری همچنین می تواند منجر به سطوح بالاتری از پرخاشگری شود، در حالی که کودکان ممکن است کمرویی، ناتوانی اجتماعی و مشکل در تصمیم گیری های خود را نیز نشان دهند که این ناشی از یک تضاد درونی بین رویکرد-اجتناب است (بیان، ۲۰۲۵: ۱). این پرخاشگری کنترل نشده ممکن است ناشی از چالش هایی در مدیریت خشم باشد، زیرا این کودکان اغلب فاقد راهنمایی مناسب هستند. علاوه بر این، آنها ممکن است با عزت نفس پایین دست و پنجه نرم کنند که این امر مانع از توانایی های تصمیم گیری آنها

2 -Nur	0
2 -Chowdhury	1
2 -Pinquart	2
2 -Pellerin	3
2 - Muhliawati	4
2 -Furnham	5
2 -Bian	6

می‌شود (سنوکتورز، ۲۰۲۵). قوانین و مجازات‌های سختگیرانه والدین همچنین می‌تواند کودکان را با بزرگتر شدن به سمت شورش علیه شخصیت‌های اقتدار سوق دهد.

سبک سهل گیرانه

در سبک تربیتی سهل گیرانه، والدین، مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه تصمیم‌گیری در هر سنی که باشند می‌دهند، حتی اگر هنوز قادر به اینکار نباشند (دیاز^۲، ۲۰۰۵: ۵۱). در موارد شدید، این والدین حتی ممکن است نیازهای فرزندان خود را رد یا نادیده بگیرند (منسا^۲، ۲۰۱۸: ۷۷). لذا این سبک سبب افزایش خشونت کودک به والدین می‌شود. اثر مشاجره زناشویی بر رفتار پرخاشگرانه کودکان تماماً تحت تاثیر سوء رفتار مادران بوده و این الگو در پسران و دختران یکسان است. لذا افزایش درصد نوجوانانی که با والدین درگیر می‌شوند رابطه مثبتی و مستقیمی با پرخاشگری والدین دارد. پرخاشگری والدین یک شاخص مهم برای تمایلات عمومی فرزندان برای بیرون کردن خشم است (گایلا^۲، ۲۰۱۴: ۴). پدر و مادری که با این شیوه تربیتی مشخص می‌شوند به رفتار بالغ فرزندان نیاز ندارند و به آنها اجازه می‌دهند، مستقل و سرخود رفتار کنند (آنولا^۳، ۲۰۰۲). به دلیل فقدان مرزها و قوانین مشخص، والدین مداراجو اغلب منجر به استدلال اخلاقی ناکافی می‌شوند و این امر، تربیت را دشوار می‌سازد (زو^۳، ۲۰۲۴: ۱۸۲). تحقیقات نشان داده است که فرزندپروری سهل گیرانه، کودکان را به سمت تصمیم‌گیری‌های خودمحور در مواجهه با معضلات اخلاقی سوق می‌دهد، نه در نظر گرفتن منافع دیگران (دارلینگ، ۱۹۹۳: ۴۸۸).

تربیت اخلاقی

در حوزه تعلیم و تربیت یکی از مهمترین، تأثیرگذارترین و در عین حال، دشوارترین مباحث، تربیت اخلاقی و اخلاقی بارآوردن کودکان است. از این رو، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش بسزایی دارد. اخلاق، نظامی از باورها، ارزش‌ها و قضاوت‌های اساسی در مورد درستی یا نادرستی اعمال است که روانشناسان آن را وجدان می‌نامند (ویلکاکس^۳، ۲۰۲۳: ۶۰). تربیت اخلاقی به معنی آموزش اطلاعات و انتقال پیام‌های اخلاقی نیست بلکه فراهم کردن زمینه‌ای در فرد است تا با تکیه بر درون مایه‌های فطری خود، آنچه خیر و فضیلت است کشف نماید و به آن نائل شود. از اینرو، برای هر جامعه تربیت روحی و اخلاقی انسان و برنامه‌سازی امری حیاتی است که بر تربیت اخلاقی کودکان نیز موثر هستند (داوودی، ۱۳۸۹). رشد اخلاقی از دیرباز موضوع اصلی روانشناسی رشد بوده است و روانشناسان بی‌شماری عمیقاً در مغز کودکان کاوش کرده‌اند تا راز دیرینه چگونگی ایجاد تعادل بین خیر و شر در درون خود و چگونگی کسب استدلال، ارزش‌ها و رفتار اخلاقی را حل کنند (زو^۳، ۲۰۲۴: ۱۸۱). رشد اخلاقی در بستر امن خانواده و در طی فرایند ارتباطی عاطفی والدین با فرزندان و نهادینه کردن آن‌ها در فرد حاصل می‌شود و بدین ترتیب افراد بر اساس آن رفتارهای خود را جهت می‌دهند. چیزی که افراد ناایمن اجتماعی و دوسوگرا به واسطه انحراف از مسیر اصلی نظام دل‌بستگی از آن محروم هستند. رشد شناختی که توسط سبک‌های تربیتی والدین صورت می‌پذیرد، تا حدی، زمینه را برای استدلال اخلاقی فراهم می‌کند که شامل صداقت و رفتارهای اجتماعی مانند کمک، داوطلبی یا مراقبت از دیگران می‌شود. رشد اخلاقی فرآیندی است که از طریق آن کودکان مفاهیم درست و غلط و همچنین توانایی تنظیم رفتار را برای رعایت استانداردهایی که

2 - Diaz	7
2 -Mensah	8
2 -Gayla	9
3 -Aunola	0
3 - Zuo	1
3 -Wilcox	2

توسط جامعه مناسب تلقی می‌شود، کسب کرده و همین امر ارزشها، هنجارها و اصول اخلاقی حاکم بر رفتار آنها را شکل می‌دهد. رشد و تربیت اخلاقی شخصی کودکان، در خانه و بر اساس قوانین و اصول اخلاقی خانواده آغاز می‌شود. کودکان فعالیت‌های خانواده را مشاهده کرده و از الگوهای خاصی از رفتارهای خانواده خود پیروی می‌کنند. بنابراین، بسیار مهم است که والدین رفتارهای خوبی از خود نشان دهند و برای فرزندان خود الگو باشند (مکلئود، ۲۰۱۶). هر چقدر والدین با مهربانی و حساسیت بیشتری به نیازها و اشارات فرزندانشان توجه داشته باشند، دلبستگی ایمن کودکان افزایش می‌یابد. چون دلبستگی ایمن در زمان کودکی رخ می‌دهد، بنابراین رشد اخلاقی نوجوانان و جوانان بستگی به دلبستگی آنان در دوران کودکی دارد. رشد اخلاقی در نوجوانی یک مسئله پیچیده است که از ابعاد شناختی و رفتاری نشأت می‌گیرد. از نوزادی، کودکی، نوجوانی و بزرگسالی، نحوه و چگونگی تعامل کودک با افراد در محیط، سطح رشد اخلاقی او را نشان می‌دهد. این موارد شامل صداقت، احترام به خود و دیگران، تحمل و خویشتن‌داری است. قضاوت اخلاقی نیز به سطح توانایی‌های شناختی بستگی دارد، زیرا با افزایش سطح توانایی‌های شناختی، درک و قضاوت اصول اخلاق نیز افزایش می‌یابد (ویلکاکس، ۲۰۲۳: ۵۹). مطالعات نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی والدین که به فرزندانشان منتقل شده است، می‌تواند به رشد اخلاق فرزندانشان کمک کند. با این حال، خانواده‌های شهری در ارائه آموزش‌های مذهبی و اخلاقی به فرزندان خود شکست خورده‌اند اول اینکه، والدین خانواده‌های شهری ممکن است از این بترسند که فرزندانشان ممکن است متعصب مذهبی شوند. علاوه بر این، کودکان شهری در پیروی از دستورالعمل‌های والدین خود لجبازتر هستند زیرا آزادی می‌خواهند. علاوه بر این، خود والدین علاقه کمتری به دین دارند و تمام مناسک مذهبی را نادیده می‌گیرند (سونیا، ۲۰۱۵: ۲۶۰). آموزش مهارت‌ها و آشنایی والدین با سبک‌های تربیتی مقتدرانه برای ارتقای رشد اخلاقی فرزندان می‌تواند مفید و سودمند باشد، به دلیل اینکه شخصیت روانی و فرهنگی کودک تا قبل از شش‌سالگی پایه‌ریزی می‌شود و انسان این زمان را بیشتر در خانواده می‌گذراند (اسمعیلی، ۱۴۰۰). مطالعات نشان داده‌اند که طرد کودکان باعث بروز طیف وسیعی از پدیده‌های منفی از جمله: اختلالات روانی و رفتاری، روان‌رنجوری، اسکیزوفرنی، بزهکاری، مشکلات کنترل و مطالعه، رشد ناقص جسمی و لکنت زبان می‌شود. کودکی که طرد شده و مورد غفلت عاطفی و اخلاقی قرار گرفته است، مستعد رفتار پرخاشگرانه است، در تسلیم شدن در برابر راهنمایی دیگران مشکل دارد، از نظر دفاعی مستقل، از نظر عاطفی و اخلاقی ناپایدار، مضطرب و ناتوان از واکنش اخلاقی کافی است، عزت نفس او کم است و نگرش او به جهان منفی است (لودووا، ۲۰۱۵: ۱۲۴۸). اسمعیلی (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی کودکان پیش از دبستان با میانجی‌گری دلبستگی کودک» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که والدین از شیوه‌های مختلف سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه در برخورد با فرزندان خود استفاده نموده‌اند، اما سبک غالب سبک سهل‌گیرانه بوده است. دلبستگی، علاوه بر اثر مستقیم بر رشد اخلاقی، به صورت غیرمستقیم در رابطه بین سبک‌های تربیتی با رشد اخلاقی نقش دارد. این پژوهش نشان داد که سبک‌های تربیتی و دلبستگی در کودکان پیش‌دبستانی تا چه اندازه می‌تواند، رشد اخلاقی کودکان را پیش‌بینی کند. در آخر، دلبستگی به عنوان میانجی بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی عمل می‌کند؛ بنابراین لازم است با برنامه‌ریزی و پیگیری‌های لازم در جهت بهبود و ارتقای رشد ذهنی کودکان در مدارس پیش‌دبستانی اقدام شود. زمانی که والدین در روش‌های تربیتی خود در مورد فرزندشان ثابت‌قدم هستند، رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آنها ارائه می‌دهند، به گفته‌های کودکان خود گوش می‌سپارند و گفت‌وگو با آنها را ترویج می‌دهند، همچنین روش انضباطی آنان توأم با گرمی، منطق و انعطاف‌پذیری است و تا حدی به کودکان خود آزادی (سبک سهل‌گیرانه که در پژوهش‌های دیگر ارائه نشده است) می‌دهند، کودکان رشد اجتماعی بیشتری را نشان می‌دهند. فداکارگلو (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارزیابی سلامت روان براساس سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با نقش میانجی دینداری» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مذهبی بودن والدین، دینداری و سبک تربیتی

مقتدرانه با سلامت روانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما دو سبک سهل گیرانه و مستبدانه با سلامت روان ارتباط منفی داشتند. بالاترین همبستگی نیز بین مذهبی بودن والدین و سلامت روان گزارش شد. لذا انتخاب سبک مناسب تربیت فرزندان، مذهبی بودن والدین و دینداری می تواند در سلامت روانی افراد تاثیر گذار باشد. تان(۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان «نقش والدین و سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری اخلاق کودکان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که والدین باید نقش خود را در شکل‌گیری اخلاق کودکان ایفا کنند. آنها باید خود را در خانواده خود درگیر کنند، به عنوان الگوهایی در القای باورهای مذهبی، ارتباط بیشتر با فرزندان و فراهم کردن زمان پیوند برای فرزندان با پدر بزرگ و مادر بزرگشان عمل کنند. در مورد سبک‌های تربیتی، نتایج نشان داد که مؤثرترین سبک، مقتدرانه و پس از آن مستبدانه بود. هر دو سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در تشویق اخلاق کودکان بی‌اثر بودند. حسینی(۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان «رابطه فلسفه تربیتی و سبک شناختی در حل مسئله معلم با رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین فلسفه‌های تربیتی پیشرفت‌گرایی، بازسازی اجتماعی و فلسفه تربیتی اسلامی در معلمان و رشد قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان رابطه مستقیم وجود دارد، اما رابطه بین فلسفه‌های تربیتی پایدارگرایی، بنیادگرایی و وجودگرایی در معلم با رشد قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان معنادار نیست. یافته‌ها نشان داد میان دانش‌آموزان پسر و دختر از لحاظ رشد قضاوت اخلاقی تفاوت وجود دارد و از این نظر پسران بالاتر از دختران هستند. زو(۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر والدین بر رشد اخلاقی: نقش خلق و خو و خودتنظیمی» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که فرزندپروری مقتدرانه، گرمی با ویژگی‌ها و کنترل می‌تواند پیامدهای اخلاقی مثبت را ارتقا دهد. با این حال، خلق و خو و پیشینه فرهنگی کودکان به طور قابل توجهی این اثرات را کاهش می‌دهد. تأثیر این سبک‌های فرزندپروری در همه کودکان یکسان نیست. این اثرات به طور قابل توجهی توسط پیشینه فرهنگی و خلق و خوی کودک، از جمله واکنش‌پذیری عاطفی و سطوح خودتنظیمی، تعدیل می‌شوند. پینکوآرت(۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «ارتباط سبک‌های فرزندپروری با استدلال اخلاقی در کودکان و نوجوانان: یک متاآنالیز» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که یک ارتباط مثبت و همزمان آماری معنادار، اما کوچک، بین سبک مقتدرانه و استدلال اخلاقی بالاتر وجود دارد، در حالی که برای سبک مستبدانه، عکس این رابطه مشاهده شد. هیچ ارتباط معناداری برای سبک سهل‌گیرانه یافت نشد. ویلکاکس(۲۰۲۳). پژوهشی تحت عنوان «سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار اخلاقی در میان نوجوانان دبیرستانی در منطقه دولت محلی اوپو/آکپور در ایالت ریورز، جنوب نیجر» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های تربیتی و حمایت عاطفی والدین، رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، توصیه‌هایی ارائه شد که یکی از آنها این است که والدین، به ویژه مادران، باید در گذراندن وقت و مشارکت با فرزندان خود هدفمندتر باشند تا بتوانند رشد رفتار اخلاقی فرزندان خود را افزایش دهند. این مطالعه به طور تجربی ثابت کرده است که سبک‌های تربیتی، رفتار اخلاقی را پیش‌بینی می‌کنند. کریمی عقدا(۱۴۰۳) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تبیین مهارت اجتماعی فرزندان بر اساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که اگر چه تنظیم هیجان در والدین به تنهایی تبیین کننده مهارت اجتماعی در فرزندان نبود، اما به واسطه افزایش نزدیکی والد-کودک می‌تواند منجر به مهارت اجتماعی در فرزندان شود. در نتایج پژوهش حاضر نقش متمایز آگاهی هیجانی نسبت به سایر مؤلفه‌های تنظیم هیجان مورد توجه قرار گرفت.

روش تحقیق

این پژوهش به دنبال بازخوانی نقش سبک‌های تربیتی والدین بر تربیت اخلاقی کودکان: یک مطالعه مروری است. روش این پژوهش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای متون می باشد.

یافته ها

سبک های تعاملی والدین با کودکان تاثیر شگرفی بر شکل گیری شخصیت و سلامت روانی و بروز برخی علائم روانپزشکی دارد. خانواده و به ویژه مادر در این خصوص نقش بسیار مهمی ایفا می کنند (سجادی نژاد، ۱۴۰۳). فرزند پروری به شیوه های غالب تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و از والدین انتظار می رود تا هفت سالگی بر فعالیت های فرزندان نظارت داشته باشند، ولی از تحمیل، پافشاری، بازخواست و تنبیه خودداری نمایند و نیازها و خواسته های فرزندان را در حد طبیعی برآورده سازند. در هفت سال دوم والدین انتظار دارند فرزندان خوب تحصیل کنند و در جهت رشد علمی و تربیتی خویش فعال باشند، پذیرای راهنمایی های والدین و معلمان خود باشند و آنها را الگوی مناسب خود قرار دهند. در هفت سال سوم انتظار می رود که فرزندان از رشد عقلی کافی برخوردار بوده و با درک شرایط محیطی و عواقب امور، زندگی خود را به طور شایسته مدیریت کنند و قدران زحمت هایی که والدین برایشان کشیده اند، باشند؛ احترام آنها را داشته باشند و در امور مورد نیاز به آنها کمک کنند؛ عاقلانه رفتار نموده و از رفتارهای پرخطرانه و خلاف اخلاق پرهیز نمایند (کلینی، ۱۴۱۳ ج، ۶، ۴۷-۴). جهت گیری مذهبی والدین یکی از عواملی است که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر گذاشته و باورهای مذهبی و اخلاقی می توانند بر سبک های تربیتی والدین موثر واقع شوند (نادوزیه، ۲۰۱۸). همچنین، مذهبی بودن والدین بر کیفیت روشهای تربیتی آنها اثرگذار است و به پرورش فرزندان پاک و سالم در دامن خانوادهای سالم منجر می شود (ناصری فداغن، ۱۴۰۱: ۷). به اعتقاد کلبرگ، هدف از آموزش اخلاق و تربیت اخلاقی، به فعلیت رساندن توانایی قضاوت در کودکان است تا این فرصت به آنها داده شود تا برای کنترل رفتار خویش از قضاوتهای درست استفاده کنند. تحقیقات اخیر تأکید می کند که رفتار اجتماعی مطلوب جوانان به طور قابل توجهی تحت تأثیر ویژگی های ذاتی مانند هویت اخلاقی است که به گنجاندن اصول اخلاقی به عنوان یک مؤلفه اساسی از تصویر خود فرد اشاره دارد (حسب الله، ۲۰۲۴: ۱۸۵۹). علاوه بر سبک های تربیتی والدین، رژیم غذایی، تعهد، درک مثبت و دینداری عوامل مهمی در کمک به رشد اخلاقی کودکان هستند (تان، ۲۰۲۰: ۷۳). والدین مقتدر بیشترین تأثیر را بر رشد اخلاقی کودکان می گذارند. این والدین از همه شیوه های انضباطی استفاده می کنند. والدینی که برافروخته و در هیجان شدید، شیوه انضباطی اعمال می کنند، رفتارشان از نظر اخلاقی و تربیتی کودک ارزش ندارد، فقط اسباب تخلیه روانی والدین است و عادلانه نیست. همین ارزیابی کودک سبب از بین رفتن کارکرد رشدی شیوه انضباطی می شود. والدین هوشیار همواره به واکنش کودک به شیوه های انضباطی دقت می کنند و شیوه های انضباطی را بهبود می بخشند (بوسلیکی، ۱۳۹۸: ۶۶). این رویکرد دو جانبه، کودکان را قادر می سازد که نه تنها به استانداردهای بیرونی پایبند باشند، بلکه این اصول اخلاقی را درونی کرده و در نتیجه ارزش های اخلاقی پایدار را شکل دهند. همین امر به کاهش اختلال رفتاری، اخلاقی و افزایش پیشرفت تحصیلی می شود. والدینی که از سبک مقتدرانه برای تربیت کودکان استفاده می کنند، اغلب به پرورش فرزندان با ظرفیت های عاطفی و اخلاقی منجر می شود (مرادی امین، ۱۳۹۵: ۱۳۴). این رویکرد تأکید ویژه ای بر ارتقای ثبات عاطفی و رفتار مناسب دارد که منجر به تحقق ارزش های اخلاقی، ذاتی و اجتماعی در افراد می شود (لی، ۲۰۲۴: ۳). به طور کلی، سبک تربیتی مقتدرانه، که با نشان دادن گرمی، ارائه حمایت و تعیین مرزهای مشخص تعریف می شود، تأثیر مثبتی بر شکل گیری هویت اخلاقی قوی دارد. این به نوبه خود، توسعه رفتارهای اجتماعی مطلوب مانند همدلی و نوع دوستی را ترویج می دهد (پادیا، ۲۰۱۵: ۲۳۳). کودکانی که جهت گیری اخلاقی مداومی دریافت می کنند، معمولاً در خانواده های مقتدر پرورش می یابند که تمایل بیشتری به کسب هویت اخلاقی قوی دارند (پرات، ۲۰۱۶: ۴۸۲). البته تأثیرات سبک مقتدرانه بر رفتار اخلاقی و اجتماعی کودکان در

فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. پژوهش‌های ریس^{۳۷} در اروپا در زمینه‌های خانوادگی طبقه متوسط، همبستگی بین سبک تربیتی مقتدرانه و پیامدهای نامطلوب را نشان داده است (ریس، ۲۰۲۳). بالعکس، تحقیقات روی گروه‌های اقلیت قومی در آمریکا، از جمله آمریکایی‌های آفریقایی تبار و آمریکایی‌های چینی تبار، انحراف از الگوهای خانواده اروپایی-آمریکایی را نشان می‌دهد که سبک مقتدرانه در این گروه‌ها، همیشه مضر نیست و می‌تواند مفید باشد (لی، ۲۰۲۴: ۲). در مقابل والدین مستبد پرتوقع هستند و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند، پیامدهای کلامی والدین یک جانبه و فاقد هم‌نواپی عاطفی است و غالباً هنگام اعمال رهنمودها، دلیلی ارائه نمی‌کنند. کمترین مهرورزی، بی تفاوتی در برابر رفتار مثبت کودک و عدم استفاده از تقویت مثبت، همدلی اندک نسبت به کودک، به کارگیری شیوه ایجاد ترس برای کنترل و تنبیه و اعمال زور برای مهار خواسته کودک، از ویژگیهای این شیوه تربیتی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۹). به اعتقاد گوروستیاگا^{۳۸} حتی کنترل شدید والدین با اضطراب و افسردگی و افکار خودکشی که خلاف مسائل اخلاقی نوجوانان است، دارای ارتباط مثبت است. والدین سهل گیر نیز در ابعاد کنترل و خواسته‌ها، در پایینترین سطح هستند. والدین مستبد و سهل گیر کنترل اندکی بر کودکانشان دارند، آنها از روشهای احساس گناه برای کنترل فرزندانشان استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه جویی و شکایت کودک، تسلیم می‌شوند. بنابراین شیوه رفتار این والدین با افزایش اختلال رفتاری رابطه دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰). کودکانی که توسط والدین مستبد بزرگ می‌شوند، سطوح بالایی از رفتار پرخاشگرانه و بی‌ثباتی عاطفی و اخلاقی را نشان می‌دهند (آنجوم، ۲۰۱۹). به اعتقاد وو^{۴۱} تنبیه سخت توسط پدران، به طور قابل توجهی رفتارهای مشکل ساز درونی و رضایت از زندگی را در پسران پیش‌بینی می‌کند، اما در دختران این‌طور نیست (وو، ۲۰۱۷). اتخاذ سبک تربیتی مستبدانه نه تنها مانع رشد تک‌فرزندان می‌شود، بلکه به احساسات منفی در تعاملات آنها با همسالان نیز دامن می‌زند و رفتارهای رقابتی، خصمانه و پرخاشگرانه را تقویت می‌کند و منجر به کاهش کیفیت روابط با همسالان و در نهایت، عدم درک مباحث اخلاقی می‌شود (تپت، ۲۰۱۵). مطالعات نشان داده است که سبک تربیتی سهل‌گیرانه ارتباطی با روحیه مشارکت و مباحث اخلاقی در کودکان ندارد (دهدار، ۲۰۲۴: ۴۴). توجه به این نکته ضروری است در حالی که مقررات و ساختار ذاتی در سبک تربیتی اقتدارگرا برای رشد سالم کودک بسیار مهم است، استفاده بیش از حد از این عناصر می‌تواند مضر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی و کمک به رشد اخلاقی کودکان از دیرباز در زمره آرمانی همه نام‌های تربیتی قرار داشته است. متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که تربیت اخلاقی، ضروری است چرا که تربیت ذاتا امری اخلاقی است لذا محیط خانواده اولین مکانی است که مملو از مفاهیم و امور اخلاقی می‌باشد. بنابراین سبک زندگی والدین (به‌خصوص سبک‌های مذهبی) تا حد زیادی موجب سلامت روان کودکان خواهد شد (خطیب، ۱۳۹۴). چرا که مذهبی بودن، سبک تربیتی مذهبی و گرایش‌های مذهبی والدین می‌تواند بر تربیت اخلاقی و دینداری کودکان تاثیر بگذارد (آذربایجانی، ۱۳۹۳). سبک تربیتی مقتدرانه والدین، بیشترین تاثیر را بر رشد اخلاقی کودکان دارد. از طرفی، هر چه سبک تربیتی والدین مقتدرانه و مذهبی تر باشد، کودکان رفتارهای اخلاقی و تعهد دینی بیشتری خواهند داشت. در سبک تربیتی مقتدرانه به واسطه قانونمندی، اقتدار والدین و در عین حال احترام و توجه به خواست کودک، می‌تواند منجر به بروز نگرش دینی و پذیرفتن خدا به عنوان یک مرجع قدرت یگانه و کامل در ذهن کودک شود. اما در سبک مستبدانه و سهل گیرانه به سبب آنکه والدین حضور پررنگ و تاثیرگذاری بر کودکان ندارند، نمی‌

3-Reyes

38.i

39-gorostiaga

40-anjum

41-wu

42-tippett

توانند تاثیر عمیق و موثری به عنوان یک مرجع قدرتمند و با ثبات بر ذهن کودک داشته باشند. بنابراین قادر به ایجاد تربیت اخلاقی قوی نیستند. کنترل شدید والدین با اضطراب و افسردگی و افکار خودکشی که خلاف مسائل اخلاقی نوجوانان است، ارتباط مثبت دارد. لذا سبک تربیتی والدین مذهبی می تواند موجب افزایش رفتارهای اخلاقی در کودکان شده و سلامت روانی آنها را ارتقا بخشد. والدینی که وقت کمتری را برای رسیدگی به فرزندان داشته باشند، از نیازها و خواسته های فرزندان غافل می شوند و نظارت و آگاهی آنها درباره امور فرزندان نیز کمتر شود. وقتی بین والدین تعارض زناشویی زیاد باشد، فرزندان باور می کنند که میزان آگاهی والدینشان از وضعیت آنها کم است. این ادراک باعث می شود فرزندان احساس کنند دارای قابلیتهای ضعیفی هستند و والدین به آنها اعتقادی ندارند، از این رو این عقیده فرزندان که والدین از وضعیت آنها بی خبر هستند، نوعی احساس ناتوانی و بی کفایتی را به همراه داشته و سبب می شود آنها نگرش مثبت و انگیزه کافی نداشته باشند. داشتن آرامش روحی والدین منجر به مراقبت و حمایت کافی از کودکان می شود بنابراین اگر زمینه و بستر لازم برای زندگی فراهم شود، والدین احساس شایستگی بهتری خواهند داشت و بر تربیت اخلاقی کودکان بیشتر تاکید دارند. بنابراین والدین باید حساسیت کافی درباره سلامت تربیتی و اخلاقی کودکان داشته و از هرگونه غفلت و سهل انگاری که منجر به بروز آسیب ها به کودکان می شود، به دور باشند. هنگامی که آگاهی در بین والدین افزایش یابد، آنها می توانند مسئولیت های خود را در شکل دهی به اخلاق کودکان انجام دهند. سپس می توان نسل های آینده صادق و واقعی داشته که می توانند آینده ای روشن برای کشورمان بسازند. لذا توصیه می شود والدین حساسیت و مهربانی بیشتری نسبت به نیازها و نشانه های فرزندان نشان دهند و از این طریق امنیت عاطفی، استقلال، شایستگی اجتماعی و رشد اخلاقی آنها را تقویت کنند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سید مهدی (۱۳۹۳). درآمدی بر روانشناسی دین، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- اسمعیلی، فرزانه، طهماسبی، سیامک، محمدی آریا، علیرضا، رضا سلطانی، پوریا (۱۴۰۰). بررسی ارتباط بین سبکهای فرزندپروری با رشد اخلاقی کودکان پیش از دبستان با میانجی گری دلبستگی کودک. فصلنامه آرشو توانبخشی. سال سوم، شماره ۲۲.
- اله ربی، مطهره، سهرابی، نادره (۱۳۹۵). شاخص های روان سنجی مقیاس سبک زندگی سال هفتم، شماره ۲۶.
- بوسلیکی، حسن (۱۳۸۹). عوامل رشد اخلاقی کودکان در بافت خانواده، فصلنامه اخلاق و حیانی، سال ششم، شماره ۱.
- حسینی، فاطمه، هاشمی، سمیرا (۱۴۰۳). سبک های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان: مطالعه ای کیفی، فصلنامه پژوهش در مشاوره کودک و نوجوان، دوره دوم، شماره ۱.
- حسینی، خدیجه، باقرپور، معصومه (۱۴۰۰) رابطه فلسفه تربیتی و سبک شناختی در حل مسأله معلم با رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره دهم، شماره ۳.
- خطیب، مهدی، جان بزرگی، مسعود، رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۹۴). نقش عوامل شخصیت و سبک زندگی مذهبی در سلامت روان، فصلنامه اسلام و پژوهش های روانشناختی، سال اول، شماره ۳.
- داوودی، محمد (۱۳۸۹). سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رحمت زهی، خدانظر، خزایی، عبدالکریم، جوادیان، جود (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری والدین با سبک های تفکر و سبک های حل مساله در دانش آموزان ابتدایی شهرستان خاش، فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۱۰.
- سلاطینی اسلامی، اکرم (۱۳۹۵). فلسفه تعلیم و تربیت. کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی.

- طباطبایی، سید علی، فضل، رخساره، یارعلی، جواد (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۱۸.
- فداکار گبلو، پرویز، احمدبوکانی، سلیمان، بشیرگنبدی، سپیده و موالیی یساولی، مهدی (۱۴۰۱). ارزیابی سلامت روان براساس سبکهای فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با نقش میانجی دینداری، فصلنامه روانشناسی و دین، سال ۱۵، شماره ۳.
- کریمی، روح الله (۱۳۹۴). حلقه کندوکاو اخلاقی، رویکردی نوین در تربیت اخلاقی. فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۲.
- کریمی عقدا، هادی، شریفی اردانی، علیرضا، صباغیان بغداد آباد، حمید، غلامزاده بافقی، طیبه و پور غلامی، فرزاد (۱۴۰۳). تبیین مهارت اجتماعی فرزندان بر اساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی گری روابط والد-کودک. فصلنامه پژوهش های روانشناسی اجتماعی، دوره چهاردهم، شماره ۵۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۳ق). فروع الکافی، تهران: المکاتبه الاسلامیه.
- کوخایی، آزاد و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۵). بررسی سبکهای فرزندپروری در منابع اسلامی. بصیرت و تربیت اسلامی. سال ۱۳، شماره ۳۶.
- مسعودی مرغملکی، رقیه، رفیعی، نفیسه، چوبگین، علیرضا (۱۴۰۱). تحلیل محتوای مفاهیم تربیتی و اخلاقی اشعار و قصه های آموزشی مراکز پیش دبستانی وابسته به دارالقرآن های شهر اصفهان. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، دوره هجدهم، شماره ۱.
- مرادی امین، مجتبی، گنجی نیک، محمد (۱۳۹۵). رابطه فرزندپروری والدین و نقش آن در ارتکاب جرم و سرقت فرزندان، فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، سال سوم، شماره ۱.
- ناصری فدافن، ملکه، نوحی، شهناز، آقایی، حکیمه، صبوی، محمد صادق (۱۴۰۱). شناخت عوامل تاثیرگذار بر سبک فرزندپروری: یک پژوهش کیفی، فص لنامه مطالعات ناتوانی، سال دوازدهم: ۲۰۹.
- هدایت نیا، فرج الله (۱۳۸۹). ظرفیت حقوق در تحکیم خانواده، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Anjum, A., Noor, T., and Sharif, N. (2019). Relationship between parenting styles and aggression in Pakistani adolescents. *Khyber Med. Univ. J.* 11, 98–101.
- Aunola, K., Stattin, h & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence* 23, 205-222.
- Baumrind, D. (1996). "The Discipline Controversy Revisited." *Family Relations*, 45: 405. DOI: 10.2307/585170.
- Bian, Q. Chen, X. Li, D. Liu, J. Fu, R. Cui, L. Liu, SH. (2025). Self-reported shyness and social and school adjustment in children and adolescents. *International Journal of Behavioral Development*. DOI:10.1177/01650254241312130
- Bornstein, M. H. (2005). Positive parenting and positive development in children. In R. M. Lerner, F. Jacobs, & D. Wertlieb (Eds.), *Applied developmental science*, 155-177.
- Chowdhury, S Mitra, M. (2015). Parenting Style and Altruistic Behavior of Adolescents' life. *Journal of Research in Humanities and Social Science*. Volume 3 ~ Issue 6 pp:20-24.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487–496.
- Davies PT, Coe JL. (2019). Family relationship dynamics: a developmental perspective In: Fiese BH, Celano M, Deater-Deckard K, Jouriles EN, Whisman MA; editors. *APA handbook of contemporary family psychology: foundations, methods, and contemporary*

- issues across the lifespan (Vol 1). Washington: America Psychological Association; <https://doi.org/10.1037/0000099-010>
- Dehdar, S. & Samavi, S. A. (2024). From home to classroom: how parenting styles shape student participation through self-efficacy. *Iranian Evolutionary Educational Psychology Journal*, 6 (3), 41-54. DOI: <https://doi.org/10.22034/6.3.41>
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. *Disabilities. The Internet Journal of Mental Health*, 1(2): 48-61.
- Fakhr Z.(2019). Parenting Styles and Aggression Among Young Adolescents: A Systematic Review of Literature. *Community Ment Health J.* Aug;55(6):1015-1030. doi: 10.1007/s10597-019-00400-0.
- Furnham, A., & Cheng, H. (2000). Perceived parental behaviour, self-esteem and happiness. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 35(10), 463-470.
- Gayla margorin, Baucom(2014).Adolescent' Aggression to Parents:Longitudinal Link with Barents Physical Aggression *Jornal of Adoiesent Heaih*55.
- Gorostiaga A, Aliri J, Balluerka N, Lameirinhas J. Parenting styles and internalizing symptoms in adolescence: a systematic literature review. *Int J Environ Res Public Health*. 2019;16(17):3192. <https://doi.org/10.3390/ijerph16173192>.
- Hasbullah. N ,Ma'rofA.A , Naquiuddin. M, Azam. D(2023). 1856 Relationship Between Moral Identity and Parenting Styles on Prosocial Behavior among Youth in Selangor, Malaysia. *International Jornal Of Academic Research In Business And Social Sciences*. Vol. 1 4 , No. 8. DOI:10.6007/IJARBS/v14-i8/22559
- Havigerová J.M., Haviger J., & Truhlářová Z. (2013). Teacher's subjective definition of family. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 106, 507-2515. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.288>
- Jago. R .Davison. K . K .brockman. R .Page A . S. .Thompson J.L and Fox. K.R(2011). Parenting styles ,parenting practices .and physical activity in 10- to 11- year olds . preventive medicine. 52 (1). 44-47
- Langier, C. Moral upbringing of children in the context of transformations of modern families: An overview of issues. *Zeszyty Naukowe Wyższej Szkoły Humanitas. Pedagogika*, (12), 147-157, 2016.
- Loudova, I. Lasek, J(2015), Parenting style and its influence on the personal and moral development of the child. *ocial and Behavioral Sciences* 174 . 1247 – 1254.
- Li D, Li W and Zhu X (2024) The association between authoritarian parenting style and peer interactions among Chinese children aged 3–6: an analysis of heterogeneity effects. *Front. Psychol.* 14:1290911. doi: 10.3389/fpsyg.2023.12909
- Masud H, Ahmad MS, Cho KW, McLeod, S. Bandura- Social Learning Theory. (2016) Retrieved from <https://www.simplypsychology.org/bandura.html>
- Mensah. S.O. Kofi Gyimah. E.(2018). The Role of Permissive and Neglectful Parenting Style in Determining the Academic Performance of Adolescents in the Senior High Schools in the Birim Municipality. *Journal of Education and Practice* .ISSN 2222-1735 (Paper) ISSN 2222-288X (Online) Vol.9, No.4 . www.iiste.org.
- Muhliawati. Y. Purwadi. P (2023). The effect of permissive parenting style and peer pressure on disruptive behavior: An explanatory study. *Journal of Professionals in Guidance and Counseling*, 4(1). 29-41. Available online at <https://journal.uny.ac.id/index.php/progcouns>
- Nnadozie E.E., Iorfa S.K., & Ifebigh O.O. (2018). Parenting style and religiosity as predictors of antisocial behavior among Nigerian Undergraduates. *J. Soc. Serv. Res*, 44(5), 624–631.

- Nur, H., Setyaningrum, P., & Novandita, A. (2021). Permissive, authoritarian, and authoritative parenting style and smartphone addiction on university students. *Journal of Educational, Health and Community Psychology*, 10(3), 419-431.
- Padilla-Walker, L. M., & Thompson, R. A. (2015). Differing effects of parental roles within adolescent socialization: Analyses of prosocial behaviors. *Journal of Moral Education*, 44(2), 232-245.
- Pellerin, L. A. (2005). Applying Baumrind's parenting typology to high schools: Toward a middle-range theory of authoritative socialization. *Social Science Research*, 34(2), 283-303.
- Pinquart, M., Anton, F. (2021). Associations of parenting styles with moral reasoning in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Moral Education* 51(2):1-14.
- Pratt, M. W., Arnold, M. L., Pratt, A. T., & Diessner, R. (2016). Moral identity and the expanding circle of moral regard toward out-groups. *Journal of Moral Education*, 45(4), 480-492.
- Reyes, M., Garcia, O. F., Perez-Gramaje, A. F., Serra, E., Melendez, J. C., Alcaide, M. et al. (2023). Which is the optimum parenting for adolescents with low vs. high self- efficacy? Self-concept, psychological maladjustment and academic performance of adolescents in the Spanish context. *An. De. Psicol.* 39, 446-457. doi: 10.6018/ analesps.517741.
- Samah BA.(2009), Perceived parental overprotection and separation anxiety: Does specific parental rearing serve as specific risk factor. *Asian J Soc Sci.*;5(11):109.
- Sandy, F .(2013). "The relationship between parenting styles with female students' self-esteem and identity". University of Guilan. Faculty of Humanities. Master's Thesis.
- Sanvictores. T, Mendez, M.D(2025). Types of Parenting Styles and Effects on Children. StatPearls [Internet]. Treasure Island . PMID: 33760502. Bookshelf ID: NBK568743
- Sets, J. E., Carter, M., J. (2011). The Moral Self- Applying Identity Theory. *Social Psychology Quarterly*, 74, 192.
- Sharma, M. & Joshi, H. L. (2015). Role of Family Environment and Parenting Style in Adjustment among Male Adolescents. *International Journal of Current Research and Academic*, 3, 252-263.
- Sonia, O., Syeda, M.H., & Sadia, J.The role of family in teaching religious and moral values to their children in urban areas: A case study of Lahore (Pakistan). *Academic Journal*, 16(1), 258-272, 2015.
- Tan W. N., Yasin, M (2020). Parents' Roles and Parenting Styles on Shaping Children's Morality . *Universal Journal of Educational Research* 8(3C): 70-76. DOI: 10.13189/ujer.2020.081608.
- Tippett, N., and Wolke, D. (2015). Aggression between siblings: associations with the home environment and peer bullying. *Aggress. Behav.* 41, 14-24. doi: 10.1002/ab.21557
- Wilcox, U.N. and Chujor C. J. (2023) Permissive and Authoritarian Parenting Styles as Predictors of Moral Behaviour Among Secondary School Adolescents in Obio/Akpor Local Government Area of Rivers State, Southern Nigeria, *International Journal of Education, Learning and Development*, Vol. 11, No.3, pp.58-71.
- Yanuarista Pungky Dewi.D. Winarin. R. Chrysti Suryandari. K(2023). The Effect of Authoritative and Permissive Parenting Styles on Student's Learning Achievement at Elementary School. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*. https://doi.org/10.2991/978-2-38476-114-2_37.
- Zuo, Y(2024). Parental Influence on Moral Development: Role of Temperament and Self-Regulation. *Communications in Humanities Research*. 52(1):181-185. DOI:10.54254/2753-7064/2024.19112.

